

استفاده‌هایی می‌شود از این بچه‌ها کرد. همه هم به‌به و چه‌چه کردند و بعد هیچ اتفاقی نیفتاد. البته چون شما در معاونت راهبردی ریاست جمهوری هستید با شما مطرح می‌کنم شاید آنجا بتوانید راه حل یا گشایشی پیدا کنید؛ هر وزارتخانه‌ای چقدر بودجه فرهنگی دارد؛ طبیعتاً مقدار قابل توجهی است. مثلاً وزارت نیرو یا وزارت کشاورزی یا راه‌شهرسازی بودجه فرهنگی را برای چه می‌خواهد و این بودجه کجا مصرف می‌شود؟

● **جلائ‌پور:** بستگی به وزارتخانه دارد، اما عمدتاً صرف یکسری رویدادهای مناسکی و برنامه‌هایی می‌شود که هر سال تکرار می‌شوند و تبدیل به عاداتی کم‌تأثیر شده‌اند و کاش برگزاری این جنس مناسک و برنامه‌ها به مردم واگذار می‌شد.

● **کیانیان:** می‌شود اینها را رزک‌وراستر و بی‌پرده‌تر بگویید؟

● **جلائ‌پور:** مثلاً در تعدادی از وزارتخانه‌ها که کاملاً از جنس زیربنایی است و نسبت کمتری با فرهنگ دارند بخشی صرف مناسبت‌های مذهبی می‌شود، برخی صرف مناسبت‌های سیاسی - انقلابی و سوبسید شرکت در برنامه‌های فرهنگی - مذهبی و... می‌شود.

● **کیانیان:** خوب برای همه اینها در کشور نهاد هست که آنها بودجه‌های کلان برای برپایی همین مناسک و به اصطلاح مناسبت‌های موجود می‌گیرند. چرا باید وزیر آقای پزشکیان همچنان راه سابق بقیه را پیش ببرد و در مورد این بودجه فرهنگی تجدیدنظری نکند؟

● **جلائ‌پور:** کاملاً موافقم که شیوه هزینه بودجه‌های فرهنگی فراگیر و تأثیرمحور نیست و اصلاح مسئولیت اخلاقی کارگزاران است.

● **کیانیان:** چطور این کار را انجام بدهد؟ شما مسلماً از ماجرای اصل چهار ترومن مطلع هستید که از طرف آمریکا به ایران آمدند و اجرایش کردند. بر مبنای اصل چهار، قرار شد در روستاهای محروم کارهایی انجام شود که از محرومیت خارج شوند. به عنوان نمونه به آنها DDT می‌دادند که کچلی، شپش و مسائل این چنینی از بین برود. در کنار این‌ها، یک جیب هم داشتند که در آن یک پروژکتور و پرده سینمای سیار بود. در روستاها که به همین منظور مسائل بهداشتی می‌رفتند برای مردم فیلم هم نمایش می‌دادند. آیا ما نمی‌توانیم از همین رویکرد گزینش‌بردار استفاده کنیم؟ تمام وزارتخانه‌ها قرار است مردم را نسبت به عملکرد آن وزارتخانه آگاه کنند. خوب چطور باید آگاهی را به مردم برسانند؟ گاهی بلبورد می‌زنند و گاهی دفترچه‌ها، کتابچه‌ها و سالنامه‌هایی چاپ می‌شود که قاعدتاً همه در انبار می‌پوسد و دوباره خمیر می‌شود. بقیه هم صرف همین مناسکی می‌شود که به گفته



کیانیان:

چرا باید وزیر آقای پزشکیان همچنان راه سابق بقیه را پیش ببرد و در مورد این بودجه فرهنگی تجدیدنظری نکند؟

شما دیگران متولی آن هستند، ولی اینها برای خود شیرینی می‌خواهند از بقیه پیشی بگیرند. همین که می‌خواهند در یکسری مناسک پیشی بگیرند، آیا ریگاری نیست و آیا این ریگاری در کشور ما نهادینه نشده است؟

● **جلائ‌پور:** بله کاملاً با شما موافق هستم. یک مصداق تأسف بارتر که ابعاد اقتصادی بزرگ‌تری هم دارد بند چ ماده ۳۷ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور است که یک الزام قانونی است برای اینکه همه دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی و وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها باید یک درصد کل اعتبارات هزینه‌ای‌شان را به صداوسیما بدهند. این جدا از بودجه‌ای است که هر ساله صداوسیما رسماً می‌گیرد. یک درصد به صداوسیما داده می‌شود تا درباره اهداف و مأموریت‌های آن سازمان و وزارتخانه برنامه تولید کند، آگاهی‌افزایی کند یا احیاناً به تعبیری بخشی از نیازهای فرهنگی را که پشتیبان هدف آن وزارتخانه و سازمان است تأمین کند، اما در عمل دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها با اینکه باید این پول را بدهند و به زور از آنها گرفته می‌شود، هیچ نظارت مؤثری بر نحوه استفاده از این بودجه ندارند و به یک معنا رانت و حتی منشأ آشکالی از فساد و هدررفت منابع عمومی شده است. فقط همین یک قلم اگر درست هزینه می‌شد، خیلی به سود منافع همگانی بود.

● **کیانیان:** من می‌خواهم یک راه حل بدهم با همان الگوی اصل چهار، از یکسو ما این لشکر بیکاران تئاتر و سینما را داریم و از سوی دیگر مثلاً وزارتخانه راه و شهرسازی باید در شهرستان‌ها و روستاها خودش را معرفی کند که راه به چه معناست، چگونه مردم باید از راه حفاظت کنند، مصرف بهینه داشته باشند یا راه‌های موجود را نابود نکنند و... چرا همین معاونت راهبردی، به وزارت راه پیشنهاد نمی‌دهد که برای همین منظور از همین بچه‌های تئاتر استفاده کند. آنها را سازماندهی کند تا در مورد مسائلی که همه وزارتخانه‌ها بخصوص وزارت بهداشت قرار است در

شهرهای کوچک و روستاها آموزش بدهند، همین بچه‌های تئاتر نمایش درست کنند و روستا به روستا و شهرستان به شهرستان آنها را اجرا کنند. نمایش جذاب است و قاعدتاً اگر کم‌دی باشد گیراتر. این روش هم آموزنده است و هم این بچه‌های تئاتر مشغول فعالیت شده‌اند.

● **جلائ‌پور:** پیشنهاد خیلی خوبی است و در واقع فلسفه بند «چ» همین بوده است. شما یک پیشنهاد جایگزین قابل اعتنا مطرح کردید. که تمام این یک درصد بودجه هر سازمان و دستگاه که برای فرهنگ عمومی و آگاهی‌افزایی لحاظ می‌شود به صداوسیما پرداخت نشود و در عوض به هنرمندان مستقلی تعلق بگیرد که با ظرفیت‌های خلق هنری و رسانه‌ای از جمله نمایش بهتر به خیرهمگانی خدمت کنند. این بودجه یک منبع قابل اعتناست و بخصوص در اوضاع بی‌پولی دولت، ابعاد بزرگی دارد و یکجا به حساب صداوسیما واریز می‌شود؛ در حالی که این سازمان آن را به نحو شفاف و نظارت‌پذیر و کارآمدی خرج این اهداف عمومی نمی‌کند. همین منبع از درآمدهای دولت می‌تواند تا حد قابل اعتنایی از اشتغال و خلق هنری فارغ‌التحصیلان توانای رشته‌های هنر و رسانه حمایت کند و به هدف عمومی دولت هم بیشتر کمک شود.

● **کیانیان:** فکر می‌کنید چقدر بودجه می‌خواهد؟

● **جلائ‌پور:** این یک درصد بودجه هر وزارتخانه و دستگاه عدد کمی نیست و با همین یک درصد آنچه به عنوان نمونه می‌گویید را می‌شود انجام داد.

● **کیانیان:** من می‌گویم این بودجه را بیشتر هم می‌شود کرد. چون خرجی ندارد. مگر اینها در ماه فرار است چقدر حقوق بگیرند؟

● **جلائ‌پور:** یک درصد بودجه کل نهادها خیلی زیاد است.

● **کیانیان:** بله. حیرت‌انگیز است. مگر قرار است این بچه‌های تئاتر چقدر حقوق بگیرند؟ بیکاری هزارپایامد برای جامعه دارد، وقتی می‌شود با همین بودجه برای این بچه‌ها فعالیت ایجاد کرد، آن هم فعالیتی که از طریق آن با کشور خودشان، شهرستان‌ها و روستاها و فرهنگ‌شان آشنا شوند، خاک بخورند یک جاهایی مجبور شوند بد بخوابند و یک جاهایی خوب؛ همه اینها برای‌شان تجربه می‌سازد. این را بر اساس تجربه خودم می‌گویم. دو، سه سال قبل از انقلاب با دو نفر از دوستانم گروه تئاتر سیار درست کردیم. سه، چهار نفر بودیم، نمایشی تدارک می‌دیدیم و با یک کوله‌پشتی سر چهارراه‌ها، پارک‌ها، کارخانه‌ها، مناطق کشاورزی و روستاها می‌رفتیم و نمایش اجرا می‌کردیم،